



## اخلاق پژوهش

### در مرحله دستیابی به نتیجه

محمد رضا جباران\*

#### چکیده

در همه حوزه‌ها، اصول اخلاقی بر اصول نظری و اصول نظری بر مبانی فرانظری تکیه دارند و به همین دلیل، کنش‌گر در صورتی به یک اصل اخلاقی ملتزم می‌شود که آن اصل و اعتقاد از بینش‌های نظری و پارادایمی او برآمده باشد. اصول نظری اخلاق در مرحله دستیابی به نتیجه با دیگر مراحل پژوهش متفاوت است و به تبع، اصول اخلاقی پژوهش در این مرحله با دیگر مراحل پژوهش متفاوت‌اند. این اصول نظری اقتضا دارند که پژوهنده در این مرحله، جانب مردم را بگیرد و مطابق با سود آن‌ها نتیجه خود را منتشر یا کتمان کند و فعل و رفتاری انجام دهد که جامعه از حاصل پژوهش او بیشترین منفعت و کمترین زیان را ببرد. بنابراین، پژوهشگر هنگام رسیدن به نتیجه پژوهش، از نظر اخلاقی موظف است اگر نتیجه کارش را برای جامعه انسانی زیان‌بار می‌داند، به صورتی آن را از دسترس خارج کند که راه زیان بسته شود و اگر چنین نیست، بدون هراس، به زبانی آشنا، با دقت و امانت‌داری نتیجه را منتشر کند و برای پذیرفتن نقدهای عالمان منتظر بماند. این تحقیق در صدد است اصول نظری اخلاق این مرحله را به دست آورد و اصول اخلاقی آن را تدوین و پیشنهاد کند.

#### کلیدواژه‌ها

اصول نظری، پژوهش، نتیجه پژوهش، اخلاق پژوهش، کتمان نتیجه، دستیابی به نتیجه.

\* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران. | mdrjbn@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۷ □ تاریخ تولید: ۱۳۹۹/۰۲/۱۰

## مقدمه

آخرین مرحله در فرایند پژوهش، مرحله دست‌یابی به نتیجه است. این مرحله با همه مراحل پژوهش متفاوت است و به همین دلیل اصول اخلاقی متفاوتی دارد. در این مرحله از چگونگی پژوهش سخنی در میان نیست، بلکه درباره چگونگی ابراز یا کتمان نتیجه و حاصل پژوهش و مسئولیت صاحبان نتیجه پژوهش در قبال آثار آن سخن گفته می‌شود. سؤال اخلاقی در این مرحله این است که چه کسی و در چه صورتی می‌تواند نتیجه پژوهش را منتشر یا پنهان کند و چه کسی باید در برابر آثار نتیجه پژوهش بر زندگی انسان و محیط زیست، پاسخگو باشد. پاسخ به این سؤالات از راه تکیه بر اصول ناظر به این موقعیت و تحلیل موقعیت پژوهشگر ممکن است. بر این اساس - و برای کشف و تدوین اصول اخلاقی در این مرحله - نخست، اصول نظری آن را تبیین می‌کنیم و سپس به تدوین اصول اخلاقی، می‌پردازیم.



## بخش اول؛ صورت‌بندی اصول نظری

اصول نظری اخلاق در هر موقعیتی از راه تحلیل شرایط در ذیل مبانی فرانظری و پارادایمی کنشگر اخلاقی به دست می‌آید. با صرف نظر از مبانی فرانظری محقق مسلمان که در این تحقیق به صورت پیش فرض تلقی می‌شوند، شرایط مرحله دست‌یابی به نتیجه را می‌توان ذیل دو امر بهره‌وری و مسئولیت‌پذیری تنظیم کرد. در این مرحله پیش از هر چیز انسان‌ها به بهره‌هایی توجه دارند که از حاصل پژوهش انتظار دارند. به همین دلیل، گروه‌های مختلف به سهم‌خواهی برمی‌خیزند و گروهی هم به دست‌اندازی و انتحال می‌پردازند. در کنار بحث از بهره‌وری، این سؤال نیز مطرح است که مسئولیت پیامدهای پژوهش به عهده کیست؛ زیرا جامعه انسانی و محیط زیست در معرض تماس با محصول پژوهش قرار می‌گیرد و از این تماس ممکن است به سود یا زیانی برسند.

۴۸

فصلنامه علمی-پژوهشی اخلاق پژوهی  
شماره ۷  
تابستان ۱۳۹۹

### ۱. اصول نظری ناشی از مالکیت و بهره‌وری

#### ۱.۱. مالکیت نتیجه تحقیق

مراجعه به تاریخ علم، هنر و ادبیات نشان می‌دهد انسان‌ها از دیرباز به پدیدآورنده اثر حق

می دهند که اثر به نام او شناخته شده، از بهره‌های مادی و معنوی اثرش برخوردار باشد. همچنین به او حق می دهند دیگران را از تصاحب و تصرف در اثر خویش بازدارد (عربیان، جواد، ۱۳۸۲، ص ۹۳). تقبیح و نکوهش «انتحال» که به درازای عمر علمی و ادبی بشر قدمت دارد و نیز به رسمیت شناخته شدن حقوق مالکیت فکری در جامعه جهانی، برخاسته از این تلقی است. به همین دلیل «نظام‌های حقوقی مهم در اصل شناسایی «حق پدیدآورنده» اختلاف چندانی ندارند و همه بر حمایت از آن تأکید می کنند» (حکمت‌نیا و موحدی، ۱۳۸۵، ص ۹۰). انتساب نتیجه کار علمی به پدیدآورنده در نظر جامعه و عرف دانشوران چنان مسلم است که حتی خود پدیدآورنده را نیز محدود می کند؛ به طوری که از واگذاری آن به دیگری بازش می دارد (عربیان، جواد، ۱۳۸۲، ص ۹۳).

از منظر اسلامی، هر چند این عنوان نوپدید است و به صراحت در منابع یاد نشده، ممنوعیت انتساب اثر علمی به غیر پژوهنده به وسیله ادله عام قرآنی (نک: سوره نجم، آیه ۳۹) پشتیبانی می شود. در فقه مذاهب اسلامی نیز دیدگاه‌های کلی نگر با نظریه منطقه الفراغ (حلیمی، ۱۳۸۴، ص ۷۸) و نظریه دین حداقلی (حلیمی، ۱۳۸۴، ص ۷۹) و دیدگاه‌های جزئی نگر از راه توسعه در مفهوم مالکیت یا به وسیله قاعده حفظ نظام و دلیل عقل مستقل (حلیمی، ۱۳۸۴، ص ۸۰) به اثبات مالکیت فکری پژوهنده پرداخته اند. با صرف نظر از انتقاداتی که ممکن است از بُعد فنی به بعضی از این دیدگاه‌ها و نظریه‌ها داشته باشیم، اصل توجه دین به «حق مالکیت فکری» را از مجموعه آن‌ها استفاده می کنیم. بنابراین، یکی از اصول نظری اخلاق در این مرحله «اصل مالکیت پژوهنده نسبت به نتیجه پژوهش» است.

## ۲.۱. شعاع سلطه محقق بر نتیجه تحقیق

از میان انواع امتیازاتی که عقلاً برای پدیدآورنده اثر به رسمیت شناخته‌اند، تنها اصل «سلطه بر عدم نشر و افشای اثر» مورد استفهام جدی قرار می گیرد. آیا پدیدآورنده می تواند از نشر و افشای نتیجه پژوهش و اثر علمی، خودداری کند؟ این پرسش از منظر اخلاقی و حقوقی پاسخ‌های متفاوتی دریافت می کند. از منظر اخلاقی، نتیجه پژوهش حق عمومی جامعه به شمار می رود؛ به همین دلیل، پژوهشگر موظف است پژوهش‌هایی را که اولاً از کیفیت پژوهشی کافی برخوردارند و ثانیاً، دارای مزایای علمی هستند، در دسترس عموم قرار دهد. در برابر این وظیفه اخلاقی، نظام‌های حقوقی موجود، برای پدیدآورنده «حق افشای اثر» را به عنوان یک حق معنوی می شناسند. حقی که «بر اساس آن درباره زمان، مکان و چگونگی افشای اثر خود به شخص یا



اشخاصی تصمیم می‌گیرد. وجود این حق برای پدیدآورنده، دیگران را از اجبار او به افشای اثر خود باز می‌دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند پدیدآورنده را به افشای اثر خود مجبور سازد» (حکمت‌نیا، محمود، ۱۳۸۴، ص ۴۴). بنا بر این، از منظر حقوقی، پژوهنده حق دارد از افشای نتیجه پژوهش، خودداری کند، ولی از منظر اخلاق، این حق با مسئولیت‌های محقق و فواید گزارش نتیجه پژوهش، در تعارض است و به همین دلیل توصیه می‌شود در صورتی که انتشار نتیجه تحقیق سودی به جامعه انسانی می‌رساند یا رنجی را تخفیف می‌دهد و مانع زبانی به انسان‌ها می‌شود، محقق از حق سلطه بر نتیجه تحقیق استفاده نکند و اجازه دهد جامعه از نتایج تحقیقش بهره‌مند شود. در ادامه، درباره مسئولیت‌های محقق و فواید انتشار اثر بحث می‌کنیم. بر این اساس، دومین اصل از اصول نظری این حوزه «اصل تسلط حقوقی پژوهنده بر جلوگیری از افشای اثر» است.

### ۳.۱. تأثیر پشتیبانی محقق در ایجاد سلطه بر نتیجه تحقیق

اصل مالکیت محقق نسبت به حقوق معنوی اثر هیچ استثنایی ندارد، ولی در صورتی که شخصی حقوقی یا حقیقی محقق را در راه رسیدن به نتیجه یاری و حمایت کند، در آثار مادی نتیجه با او شریک می‌شود. نظریه‌های مختلف از جمله «نظریه کار» جان لاک و «نظریه شخصیت» کانت انحصار حق معنوی به پژوهنده و قابلیت اشتراک حق مادی را پذیرفته‌اند؛ زیرا بر هر دو مبنا حقوق معنوی اثر، غیر قابل واگذاری است. با این تفاوت که طبق نظریه شخصیت، اثر فکری مظهر و ادامه شخصیت پدیدآورنده و جزئی از وجود اوست و به همین دلیل قابل انفکاک از او و انتقال به شخص دیگر - اعم از حقیقی و حقوقی - نیست. بنابراین، ناشر یا مؤسسه یا شخص دیگر، تنها ابزار بیان اثر را در اختیار می‌گیرد (نک: حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۳۱۹)، ولی طبق نظریه کار، حقوق اقتصادی اثر به شخص دیگر منتقل شده و او مالک حقوق اقتصادی اثر می‌شود. چون طبق این نظریه، اثر فکری، کار پدیدآورنده است و هر کس مالک کار خویش است و می‌تواند کار خود را به دیگری واگذار کند (نک: حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۲۱۵). بر این اساس، هر کس به هر صورتی در رسیدن محقق به نتیجه نقشی داشته باشد، اعم از آزمودنی‌ها، پژوهشگران همکار و حامیان غیر مالی - اعم از افراد و مؤسسات - به تناسب نقش خود حقی پیدا می‌کند. ادای حق همه عناصر ذیربط به یک صورت اتفاق نمی‌افتد. برای ادای حق برخی از عناصر ذیربط ذکر نامشان در گزارش تحقیق کافی است؛ در حالی که برخی دیگر ممکن است شریک محقق در حقوق معنوی اثر باشند، ولی نقطه مشترک همه این عناصر این است که باید به حق خود برسند. بنابراین، یکی از

اصول نظری در این باب ضرورت رفتار عادلانه با عناصر صاحب نقش در پیدایش اثر می‌باشد.

## ۲. اصول نظری ناشی از مسئولیت‌پذیری

در شرایط عادی جامعه بشری از حاصل تلاش دانشوران و پژوهندگان سود می‌برد، ولی همیشه می‌توان شرایطی را تصور کرد که استفاده نادرست از حاصل یک پژوهش، انسان‌ها را گرفتار رنج کند؛ با این وصف آیا پژوهنده نسبت به نتیجه پژوهش خود مسئولیتی دارد و لازم است درباره نیک و بد آن دغدغه داشته باشد یا نه؟ در پاسخ به این پرسش، دانشمندان دو موضع روشن و علنی دارند: برخی از دانشمندان با استناد به پاره‌ای گزاره‌های اثبات نشده و نوعی مصادره به مطلوب مسئولیت محقق را انکار کرده‌اند. گزاره‌هایی مثل «علم برای علم»، «مرزناشناسی تحقیق علمی»، «بی‌طرفی علم» و «عدم ارتباط علم و سیاست» که هرگز در یک فرایند صحیح انتقادی به اثبات نرسیده، شعارهایی هستند که برای توجیه عدم مسئولیت دانشمند، ساخته شده‌اند. طرفداران این رویکرد، عمدتاً با اتکا بر منطق تمایز بین علم محض و کاربردی، از سیاست آزادی مطلق علم و «نظریه عدم مسئولیت محقق» طرفداری می‌کنند. به نظر آن‌ها تنها کاربرد علم است که می‌تواند زیان‌بار باشد و تا آنجا که به علم محض مربوط می‌شود، یگانه وظیفه دانشمند آگاه ساختن مردم از نتایج پژوهش‌های خویش است. این که دیگران از نتایج مذکور چه استفاده‌ای می‌کنند، ربطی به او ندارد. فاینمن - فیزیکدان آمریکایی - در توجیه این رویکرد نوشته است:

کسانی که اصرار می‌ورزند دانشمندان و علمای علوم دنیوی موظف‌اند درباره اثر دانش خود بر جامعه، تشویش و دغدغه خاطر داشته باشند، لذت اندیشیدن و پی بردن را در نظر نمی‌گیرند. آیا این لذت و حظ شخصی که دانشمند می‌برد برای کل جامعه ارزشمند است؟ پاسخ منفی است، اما باید به یاد آورد که ارزش خود جامعه چیست. اگر به ژرفای مطلب برسیم، خواهیم دید که ارزش بنیادی جامعه در این است که افراد از زندگی خود لذت ببرند. در این حال، حظ و لذتی که دانشمند می‌برد، دست‌کم به اندازه هر لذت و حظ دیگری باید ارزشمند باشد (فاینمن، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲).

در برابر این رویکرد، بسیاری از دانشمندان حتی از افشای اسرار طبیعت که در مطالعات خود کشف کرده بودند، خودداری می‌کردند. برای مثال، ارشمیدس - ریاضیدان و فیزیکدان یونانی - حاضر نبود رساله خود راجع به ریاضیات را منتشر کند؛ زیرا احتمال می‌داد یافته‌های او کاربردهای



مهندسی خطرناکی داشته باشد. همچنین لئوناردو داوینچی (۱۴۵۲-۱۵۱۹م) مدل زیردریایی خود را منتشر نکرد؛ چون فکر می‌کرد طبیعت شرّ بشر می‌تواند آن را به عنوان ابزاری برای تخریب بستر دریا به کار می‌گیرد (نک: معلا، بی‌تا، ص ۱۱۲). افسانه‌هایی که از دست‌یابی برخی دانشمندان به اسرار طبیعت و خودداری از افشای آن‌ها بر زبان‌ها جاری است نیز مستند به این امر ارتکازی است که دانشمند نمی‌تواند نسبت به نتیجه تحقیقات خود بی‌دغدغه باشد.

طرفداران این نظریه اعلام می‌کنند که مرادشان از مسئولیت‌پذیری دانشمندان نسبت به علم خود در جامعه، همان تأثیرات کاربردی علم است (فاینمن، ریچارد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱)، ولی تفکیک علم محض از کاربردی - با توجه به ماهیت پژوهش علمی - دور از واقعیت است و هیچ دانشمندی نمی‌تواند ادعا کند، کارش ربطی به رفاه افراد یا سیاست دولت‌ها ندارد. بر این اساس، هر دانشمندی باید بداند دانشی که تولید می‌کند، چه آثاری می‌تواند در طبیعت و جامعه بشری به همراه داشته باشد. مطابق این نظریه، پژوهش‌گری که در کار خود موفق بوده و به نتیجه‌ای علمی دست یافته، هم نسبت به سودی که در صورت کتمان نتیجه تحقیق از دست جامعه می‌رود، مسئول است و هم نسبت به زیانی که در صورت نشر و افشای آن ممکن است، گریبان انسان‌ها را بگیرد. مسئولیتی که دانشمند باید آن را بپذیرد، با دو عامل شناخته می‌شود: جایگاه‌هایی که خود او در جامعه به دست می‌آورد و فوایدی که نشر دانش برای جامعه بشری به دنبال دارد. در ادامه، درباره این دو عامل به طور خلاصه سخن می‌گوییم.

## ۱.۲. فواید نشر و گزارش نتیجه تحقیق

در اینجا تنها از فوایدی نام می‌بریم که انتشار دانش حتی بدون توجه به کاربردش برای جامعه انسانی به دنبال دارد. از این قبیل فواید توسعه دانش (پاشا شریفی و شریفی، ۱۳۸۹، ص ۳۶۷) اصلاح دانش حفظ و انباشت سرمایه علمی (هروی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۵) و تشکیل جامعه علمی (هویت و کرام، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵) از همه مهم‌تر است.

## ۲.۲. جایگاه دانشمند در جامعه انسانی

مایکل آیته - ریاضیدان معاصر - برای اثبات مسئولیت ویژه دانشمندان شئون و توانایی‌های ایشان را در چهار عنوان ترتیب داده است: (۱) درک عمیق از مشکلات فنی؛ (۲) توانایی توصیه و کمک علمی

برای حل مشکلات؛ ۳) امکان هشدار دادن به جامعه؛ ۴) برخورداری از دیدگاهی جهانی به نفع نوع بشر و برخورداری از نوعی برادری بین‌المللی که فراتر از مرزهای طبیعی است (رات بلات، ۱۳۹۸). از منظر اسلامی، دانشمند در جامعه دارای سه موقعیت است که از ناحیه هر یک از آن‌ها ممکن است مسئولیتی داشته باشد: جایگاه انسانی، جایگاه دانشوری و جایگاه برخورداری.

به خاطر جایگاه انسانی از نظر اخلاقی موظف به خیرخواهی است (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۱۶۴) و باید در راستای زدودن رنج انسان‌ها تلاش کند (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۳؛ طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۴۰) و با این تلقی که انسان‌ها همه خانواده خدایند، بکوشد سودی به آن‌ها برساند (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۱۶۴).

مسئولیت و تکالیف خاصی که به مقتضای جایگاه دانشوری بر عهده دانشمندان نهاده شده، در زبان قرآن کریم و به تبع آن در فرهنگ پیشوایان معصوم (ع)، گاهی به عهد و پیمان الهی مستند شده (سوره آل‌عمران، آیه ۱۷۸؛ شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۱۳) و گاهی به دارایی علمی دانشمند. (شریف‌رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۰؛ حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۷۵). دانشمند به استناد عهدی که با خدا دارد، موظف است به رنج و راحت انسان‌ها، توجه کند (شریف‌رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۰) و در زمینه‌ای که حق و باطل را می‌شناسد، حق را اظهار کند. (سوره آل‌عمران، آیه ۱۷۸؛ شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۱۳) و باید به خاطر دارایی علمی‌اش زکات آن را بپردازد، یعنی دانشش را به شایستگان بیاموزد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۴۶).

دانشمند به خاطر برخورداری از نعمت دانش، موظف است از خدا (نک؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۱۰ و طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۷۰۳) و انسان‌ها شکرگذاری و قدردانی کند. بر اساس آنچه گذشت، دانشمند در برابر خداوند متعال متعهد، به جامعه بشری به‌ویژه جامعه خویش مدیون و به مثابه شکرگزاری موظف به فایده‌رسانی و رنج‌زدایی از جامعه انسانی است.

## بخش دوم؛ تدوین اصول اخلاقی

محقق در ارتباط با نتیجه پژوهش خود در دو موقعیت قرار می‌گیرد: یا نتیجه تحقیق خود را برای جامعه بشری مفید می‌داند و تصمیم می‌گیرد آن را منتشر کند و یا به دلیل زبانی که در آن می‌بیند، تصمیم می‌گیرد آن را مخفی کند و در هر یک از این دو موضع از منظر اخلاق، وظایفی پیدا می‌کند. وظایفی که محقق در این مرحله پیدا می‌کند - چه بر محور ابراز و چه بر مدار کتمان نتیجه - همه از مصادیق ادای حق و ایفای وظایف و مسئولیت‌های دانشوری، انسانی و



برخوردراری است. در ادامه، وظایف عمده محقق را در این دو موقعیت با نظر به آموزه‌های اخلاقی اسلام و اصول نظری پیش گفته، بررسی و تبیین می‌کنیم.

## ۱. موقعیت کتمان نتیجه تحقیق

درباره موقعیت کتمان به دو تبیین نیازمندیم: نخست این که مرجع تشخیص کیست و دیگر این که مراد از دانش زیان‌آور چیست.

نخست، اگر می‌توانستیم تشخیص دانش زیان‌آور را دست‌کم به جمعی از اهل دانش واگذار کنیم، حتماً ضریب خطا در این مسئله به حداقل می‌رسید، ولی اطلاع هر کس جز شخص پژوهنده تقریباً مساوی با ابراز و نشر نتیجه است و با این وصف نمی‌توان از اخلاقی بودن کتمان که دیگر در اختیار پژوهشگر نیست، سخن گفت. بنابراین، افزون بر این که در فضای اخلاق و امور معنوی اطمینان شخص کنش‌گر معتبر است، در این مسئله واگذاری تشخیص به دیگری مساوی با امحای صورت مسئله است.

دوم، دانش به معنای آگاهی از روابط موجودات، به‌خودی‌خود نمی‌تواند زیان‌بار باشد. بزرگ‌ترین زیانی که از این ناحیه ممکن است گریبان انسان را بگیرد، بی‌فایده بودن است. اطلاق عنوان زیان‌بار بر این قبیل دانسته‌ها از این روی صحیح است که انسان برای رسیدن به هر دانسته‌ای، بخشی از عمر و امکانات خود را مصرف می‌کند و اگر نتیجه این تلاش و هزینه، گرهی از کار او نگشاید، آن تلاش و هزینه به هدر رفته است. بر این اساس، وقتی از یک علم زیان‌آور سخن می‌گوییم، در حقیقت، به کاربردهای آن نظر داریم و منظورمان دانشی است که می‌توان آن را به زیان انسان‌ها به کار برد. کاربرد هر چیز در زندگی انسان هیچ‌گاه در یک نقطه قابل توصیف متمرکز نیست تا به آسانی بر حسب مفید یا مضر بر آن بزنیم؛ هر چیز قابل کاربردی در یک مدار فازی به کار می‌رود، در طیفی از فایده‌رسانی محض تا زیان‌آوری مطلق. به عبارت دیگر، ضرر و فایده از مفاهیم تشکیکی‌اند. بنا بر این، توصیف نتیجه یک تحقیق به زیان‌باری با دو مشکل مواجه است:

۱. همیشه باید به تشخیص یک نفر (شخص محقق) واگذار شود که ممکن است بر شرایط گوناگون جوامع انسانی احاطه نداشته باشد.

۲. هر چیز زیان‌باری از نگاهی دیگر و با وجهه‌ای دیگر می‌تواند مفید باشد. به عبارت دیگر، سود و زیان دانستگی‌ها با ملاحظه شرایط زمانی و میزان رشدیافتگی انسان‌ها صورت‌های



مختلفی پیدا می‌کند. با این ملاحظه، هرچند ممکن است از برخی عبارات احادیث، مثل «علمی که سودی نرساند» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۷۰) و «علمی که دانستش سودی ندارد» (سیوطی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۶۰). دانش بدون فایده به ذهن تبادر کند و بنا بر آنچه درباره مسئولیت دانشمند گفته می‌شود (نک: فاینمن، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱؛ معلا، بی‌تا، ص ۱۱۲) نویسندگان اخلاق، پژوهنده را موظف به کتمان آن بدانند، ولی حقیقت این است که وجود دانشی که یکسره زیان‌بار بوده، هیچ منفعتی حتی برای افراد خاص و در زمان‌های آینده هم برای آن تصور نشود، یک فرض محقق نشدنی است. چیزی که در عالم واقع وجود دارد و می‌توان به آن اشاره کرد، این است که دانش‌هایی با صبغه زیان‌باری می‌توانند از جهات مختلفی مفید باشند. برای مثال، برای گروهی خاص که توانایی حفظ آن را دارند، سودمند، یا حتی ضروری باشند. در این صورت، اظهار آن برای همان دسته از مردم، به اندازه کتمان از دیگران، لازم و اخلاقی است. این اصل را می‌توان از سفارش‌هایی مثل «بَدَلُهُ لِمُسْتَحِقِّهِ؛ بخشیدن به کسی که شایسته آن است» (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۲۷۵) و «أَنْ يُعَلِّمَهُ أَهْلَهُ؛ آن را به افراد شایسته بیاموزد» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۶۴) استنباط کرد.

گاهی یک دانش می‌تواند در زمان‌های دیگر و شرایط دیگر و در دست افرادی با توانایی بیشتر سودمند باشد. رسول خدا (ص) فرمود: «خَرْمُ بِنْدَةِ الْإِسْلَامِ كَمَا بِنْدَةُ الْكَلْبِ؛ حفظ کند و بی‌تغییری، به آن که نشنیده برساند؛ بسا کسی که خود دانشمند نیست، ولی دانشی را به دیگری می‌رساند و بسا کسی که دانشی را به دانایان خود می‌رساند» (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۴۰۳).

شاید یکی از فلسفه‌های تشکیل اصحاب سِرّ در حوزه امامت، همین بود که برخی از معارف باید به دست دیگران می‌رسید و شاید تنها راهش سپردن آن معارف به افراد موجود بود. به همین دلیل است که برخی از معارفی که پیشوایان معصوم (ع) در دوره‌های میانی امامت به اصحاب سِرّ خود آموخته و آن‌ها را از افشای آن برحذر داشته‌اند، در دوره‌های پایانی در ضمن ادعیه و زیارات در دسترس دیگران هم قرار گرفته است. با توجه به این محدودیت‌ها، پیشنهاد یک اصل اخلاقی برای فرض زیان‌بار بودن نتیجه پژوهش نه تنها آسان نیست، بلکه ممکن است عالمانه هم نباشد. با این حال، به استناد مسئولیت دانشمند در سودرسانی و رنج‌زدایی افشای دانش در ظرفی که نفعی به حال مردم ندارد یا ممکن است رنجی برای آن‌ها بیافریند، خلاف اخلاق است.

## ۲. موقعیت اظهار نتیجه تحقیق

منظور از موقعیت اظهار نتیجه، موقعیتی است که پژوهنده تصمیم می‌گیرد نتیجه پژوهش خود را



اعلام کند. این تصمیم گاه مستند به فوایدی است که او برای خود تصور می‌کند؛ با صرف نظر از فوایدی که ممکن است برای جامعه در پی داشته باشد و گاه ناشی از این است که او حاصل پژوهش را برای جامعه بشری مفید می‌داند. در صورت اول، اعلام نتیجه از نظر ماهوی یک معامله است که انجام‌دهنده آن به طور طبیعی به دنبال سود بیشتر خواهد بود. دانشمندی که سود مادی را هدف قرار می‌دهد از نظر حقوقی، مجرم نیست، ولی بر خلاف «اخلاق دانشوری» رفتار کرده و احتمال این که مرزهای اخلاقی دیگری را در پی سود بیشتر درنوردد، منتفی نیست. در صورت دوم نیز با آن که نمی‌توان به پژوهشگر نسبت سودجویی داد و او را به منفعت‌طلبی متهم کرد، نیروهای درونی و بیرونی (نفسانی و اجتماعی) زیادی با گرایش‌های ضد اخلاقی او را احاطه می‌کند. بنابراین، در هر دو صورت، اگر محقق مصادیق رفتارهای غیر اخلاقی را شناسد و از پیش برای مقابله با آن‌ها آموزش ندیده و تمرین نکرده باشد، هرگز موفق به انجام وظایف اخلاقی خود نمی‌شود. در ادامه، در باره اصول و ارزش‌هایی که در این دو موقعیت به کار محقق می‌آید، سخن می‌گوییم.

## ۱.۲. صداقت

منظور از «صداقت» در حوزه پژوهش، «صداقت علمی» است. «صداقت علمی» در برابر دو رفتار غیر اخلاقی «جعل»<sup>۱</sup> و «تحریف داده»<sup>۲</sup> قرار دارد. جعل و تحریف داده‌ها از بارزترین مصادیق «تقلب علمی»<sup>۳</sup> است که در عصر ما به دلیل وجود فناوری‌های نوین ارتباطی از یک سو و نقش مؤثر جایگاه علمی در تعیین جایگاه اجتماعی از سوی دیگر، چهره‌های متنوعی پیدا کرده است. نک: ذاکر صالحی، ۱۳۹۸، ص ۱۷-۴۵. دفتر علم و فناوری ایالات متحده جعل در پژوهش را «ساختن داده‌ها یا نتایج و ثبت و ضبط یا گزارش آن‌ها» تعریف کرده است (Shamoo, 2009, pp. 15-32). به نظر می‌رسد تأکید بر واژه ساختن که حکایت از غیر واقعی بودن داده یا نتیجه ساخته شده

1. fabrication

2. falsification

۳. از آنجا که «تقلب» یک اصطلاح حقوقی است، بنیاد ملی علوم آمریکا برای پرهیز از بار حقوقی و پیامدهای قانونی کاربرد این واژه، به جای اصطلاح تقلب علمی، «بدرفتاری پژوهشی» را به کار برده و آن را در سه شاخه تعریف کرده است: ساخت (داده‌سازی)، تحریف (جعل)، و اقتباس (سرقت) از آثار ادبی.

دارد، ما را از قیدهایی مثل تقلبی یا تأیید نشده (نوکل و ناصری‌راد، ۱۳۸۸، ص ۷) بی‌نیاز می‌سازد.

تحریف، هم در مرحله جست‌وجو و پژوهش اتفاق می‌افتد و هم در مرحله دست‌یابی به نتیجه. تحریف در زمان تحقیق به معنای دست‌کاری مواد، وسایل و فرآیند پژوهشی است و در مرحله دست‌یابی به نتیجه، عبارت است از تغییر و حذف داده‌ها و نتایج، به صورتی که سبب شود نتایج گزارش شده با نتایج واقعی متفاوت باشند و تحقیق به عنوان یک مطلب ثبت شده قبلی به شمار نیاید (نورمحمدی، ۱۳۹۳، ص ۶). تفاوت بین تحریف و جعل داده‌ها در آن است که در جعل داده‌ها، تمامی نتایج گزارش شده غیر واقعی هستند؛ در حالی که در تحریف داده‌ها، تنها بخشی از نتایج گزارش شده غیر واقعی‌اند. مبتنی بر اصل احترام به حقوق پژوهنده وظیفه دارد از جعل و تحریف خودداری کند. پژوهنده‌ای که دست به جعل یا تحریف می‌زند از طرفی به حق جامعه نسبت به آگاهی از حقیقت و از طرفی به حق کسانی که در فرایند جعل یا تحریف نتیجه تلاششان به سرقت می‌رود، بی‌اعتنایی می‌کند. افزون بر این، هم دروغ می‌گوید و هم تدلیس و فریبکاری می‌کند. درباره رشتی دروغ لازم نیست سخنی بگوییم؛ زیرا رشتی دروغ واضح و از ضروریات عقلی است. فریبکاری نیز از این حیث کمتر از دروغ نیست. به همین دلیل قرآن کریم به بهانه‌های مختلف حيله و حيله‌گر را نکوهش کرده (از جمله، نک: سوره فاطر، آیه ۱۰ و ۴۳؛ سوره مطففین، آیه ۴۱) و پیشوایان معصوم (ع) ما نیز به همین روش حيله‌گری و فریبکاری را به مثابه خصلتی ضد ایمان سرزنش کرده (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۷۰) و حيله‌گر را خارج از زمرة اسلامیان قرار داده‌اند (شیخ صدوق، ۱۴۰۶، ص ۲۷۱). امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «فریفتن کسی که به تو اطمینان کرده، کفر است» (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۲۹). قیدی که در سخن آن حضرت آمده (کسی که به تو اطمینان کرده) قید توضیحی است؛ زیرا کسی که اطمینان نکرده، فریفتش در عمل ممکن نیست. بنا براین، نمی‌توان از این قید جواز فقهی یا اخلاقی نوعی از فریبکاری را استفاده کرد.

«تدلیس» به معنی خدعه، حيله و مخفی کردن عیب در فرهنگ اسلامی از اصطلاحات علم فقه و حدیث است. در فقه معاملات، تدلیس به معنای مخفی کردن عیب است و با همین مفهوم در باب بیع و نکاح به کار می‌رود. در باب بیع به معنای مخفی کردن عیب کالا (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۹۳۰) و در باب نکاح به معنای پنهان کردن عیب زن یا مردی است که قصد ازدواج دارد (نک: مروارید، ۱۴۱۰، ج ۱۹، ص ۶۳۵). در علم حدیث نیز دارای سه اصطلاح است: (۱) این که راوی از کسی حدیث نقل کند که او را ندیده است؛ (۲) از کسی که دیده چیزی را نقل کند که از او نشنیده است؛ (۳) از کسی چیزی نقل کند ولی وانمود کند او کسی دیگر است (ابوحیب، ۱۴۰۸، ص ۱۳۲؛ نک:



قلعه‌جی، ۱۴۰۸، ص ۱۲۶). بر این اساس، جعل و تحریف هر دو با تدلیس در علم حدیث قرابت و بلکه مشابهت دارند. تدلیس با همه معانی‌اش در فرهنگ اسلامی نه تنها موضوع منع اخلاقی، بلکه موضوع نهی فقهی نیز هست. پژوهنده برای اجتناب از جعل و تحریف باید آنچه را واقعاً از کار پژوهشی خود به دست آورده، عیناً منعکس سازد و از پنهان کردن نتیجه و دخل و تصرف در آن بپرهیزد. لازمه صداقت این است که اگر مطالعه به هر دلیلی کامل نبوده، موارد نقص آن را نیز گزارش کند، حتی اگر نارسایی مربوط به طبیعت نوع مطالعه و روش‌های موجود باشد. برای مثال، اگر قرار است نتیجه یک مطالعه اکتشافی را گزارش کند، باید اکتشافی بودن مطالعه را در گزارش قید کند تا خواننده گزارش، انتظار نتیجه قطعی و کامل نداشته باشد. همچنین اگر نتیجه یک مطالعه توصیفی را گزارش می‌کند، باید توصیف‌های مربوط به جامعه و نمونه را به درستی گزارش کند و دامنه خطای ممکن در توصیف‌های استنباطی خود را نیز مشخص کند (ببی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲۷).

## ۲.۲. شهامت و شجاعت

التزام پژوهنده به اصول نظری در مقطع اعلام نتیجه مستلزم شهامت است؛ چون بدون شهامت، ممکن است برای پرهیز از مخالفت‌های احتمالی از اعلام نتیجه پژوهش خودداری کند. پنهان کردن نتیجه پژوهش با ملاحظات شخصی مخالف اصل سودرسانی تلقی می‌شود. مخالفت با نتایج نو بیشتر از ناحیه سه قطب اجتماعی برمی‌خیزد: صاحبان سرمایه و ثروت، قدرتمندان و سیاستمداران و جامعه علمی. منشأ پرهیز از مخالفت این گروه‌ها ترس است یا طمع که هر دو در بینش اخلاقی اسلام نکوهیده است. در بینش اسلامی، انسان موحد در بیم و امید هم موحد است؛ یعنی تنها خدا را شایسته ترسیدن می‌داند (سوره توبه، آیه ۱۳؛ دیلمی، بی‌تا، ص ۱۲۰) و تنها به خدا امید می‌بندد، امام سجاده (ع) می‌فرماید:

من تمام خیر را در این دیدم که از آنچه در دست مردمان است، طمع ببری؛ کسی که هیچ به مردم امید نبندد و همه کارش را به خدا بسپرد، خدا در هر موردی پاسخ او را می‌دهد (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۱۴۸).

بنابراین، پژوهنده باید با اتکا به خداوند متعال، ترس از صاحبان قدرت را از دل براند و طمع از ارباب ثروت ببرد و دانشی را که برای مردم مفید است اعلام کند و در برابر جنجال جامعه علمی با شجاعت و شهامت از نظریه خود دفاع کند.

نکته‌ای که در این مقام نمی‌توان ندیده گرفت، قرابت شهادت با بی‌پروایی است. پژوهنده بی‌پروا در مقام اعلام نتیجه می‌تواند نتایجی را منتشر کند که با مصالح عمومی جامعه انسانی سازگار نباشد. بر این اساس، به همان نسبت که شهادت اخلاقی است، «بی‌پروایی» بر خلاف اخلاق است. محقق در صورتی که بترسد، مصلحتی اخلاقی را از دست می‌دهد و در صورتی که بی‌پروایی کند، مصلحتی دیگر را و خود بهتر از هر کس می‌تواند مرز باریک بین شهادت و بی‌پروایی را در هر مورد بشناسد. برای کسی که اخلاق می‌نویسد، بسیار مشکل است برای موضع‌گیری در مواردی که دو مصلحت با هم تراحم می‌کنند رفتار و روشی را توصیه کند؛ چون هر مورد در شرایط خاصی اتفاق می‌افتد و تنها شخص پژوهنده می‌تواند راه منحصر به فرد برون‌رفت از تنگنای تراحم را در هر مورد پیدا کند.

## ۳.۲. دقت در تنظیم گزارش

از اصول اخلاقی در گزارش نتیجه تحقیق، دقت در تنظیم گزارش است. دقت از طرفی به «امانت‌داری» مربوط است و از طرفی به راهنمایی و هدایت دیگران. دانشمند چون سعی می‌کند مرز دقیق یافته خویش را ترسیم کند تا یافته‌های دیگران را به خود نسبت ندهد، امانت‌دار است و به این ملاحظه دقت در گزارش، ذیل «رعایت حقوق» قرار می‌گیرد و چون تلاش می‌کند آنچه را به دست آورده به دیگران عرضه کند، در مقام راهنمایی است. چنانکه برخی تأکید کرده‌اند:

نتیجه یک کار تحقیقی معمولاً پیش از دیگر قسمت‌ها خوانده می‌شود. در پرتو خواندن همین چند صفحه نتیجه‌گیری، خواننده بدون آن که مجبور به خواندن کل گزارش باشد، ایده کلی از فایده‌ای که تحقیق برایش دارد را به دست خواهد آورد. بر پایه همین تشخیص سریع، او درباره خواندن یا نخواندن تمامی گزارش یا احتمالاً بخش‌هایی از آن تصمیم خواهد گرفت (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۷، ص ۲۵۲).

در واقع، دانشمند با نوشتن یک گزارش دقیق، خواننده خود را در رسیدن به تصمیم کمک و راهنمایی می‌کند. بنا براین، «باید نتایج یک کار تحقیقی را با دقت زیاد نوشت و اطلاعات مفید برای خوانندگان بالقوه را در آن عرضه کرد» (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۷، ص ۲۵۲). دقت در گزارش به این ملاحظه ذیل «شکرگزاری و ادای زکات علم» قابل طرح است.

در ذیل این اصل اخلاقی، فروع دیگری نیز مطرح می‌شود. از آن جمله است: رعایت حقوق



و استخدام ادبیات آشنا.

### ۲.۳.۱. رعایت حقوق عناصر صاحب نقش

اگر «عدالت» را یکی از اصول نظری این باب بپذیریم، پژوهنده باید با «صداقت» نام افراد و گروه‌های صاحب نقش در رسیدن به نتیجه را نیز در گزارش بیاورد و همان‌طور که دقت می‌کند نتیجه کارش را به درستی گزارش کند، باید دقت کند حقوق مادی و معنوی عناصر ذریب‌مثل آزمودنی‌ها، پژوهشگران همکار، حامیان مالی و غیر مالی اعم از افراد و مؤسسات را نیز در گزارش قید کند.

### ۲.۳.۲. رعایت حق مخاطبان

یکی از حقوقی که به طور خاص در گزارش تحقیق باید مراعات شود، حق جامعه مخاطبان و خوانندگان آثار علمی است که در دو گروه متخصصان و عموم جامعه طبقه‌بندی می‌شوند. مهم‌ترین حق جامعه مخاطبان و خوانندگان این است که حقیقت را بی‌کم و کاست و بدون هرگونه جعل و تحریف بدانند. بنابراین، محقق وظیفه دارد، افزون بر این که نتیجه کار خود را به صورت فنی به متخصصان رشته خود گزارش می‌کند، «حداقل بخشی از نتایج تحقیقات خود را که متناسب با مسائل روز و زندگی اجتماعی است، با رویکردی ترویجی و به زبانی ساده برای عموم مردم منتشر کند. هدف از انتشار آثار ترویجی، اشاعه دانش در سطوح مختلف جامعه و نیز برقراری پلی میان دو عرصه نظر و عمل است» (منصوریان، ۱۳۹۳، ص ۳۰).

### ۲.۳.۳. استخدام ادبیات آشنا

وفاداری به ادبیات خاص یک علم یعنی مأنوس‌گویی و به زبان دیگران سخن گفتن، از اصول اخلاقی اعلام نتیجه است. پس اگر کسی در گزارش نتیجه پژوهش اصطلاح جدیدی استخدام کند، باید به اصطلاحات شناخته شده آن علم نزدیک باشد؛ به طوری که اهالی آن علم آن را بشناسند. مراعات این هنجار چنان ضروری است که طبق دیدگاه برخی از صاحب‌نظران، «اصطلاحاتی که با فاصله زیاد از فضای اصطلاحات یک علم ساخته می‌شود از آن علم شمرده نمی‌شوند و مباحثی که بر محور آن‌ها شکل می‌گیرد از مسائل آن علم شناخته نمی‌شوند» (جتازان، ۱۳۹۶، ص ۱۴۹).



## ۴.۲. نقدپذیری

«نقدپذیری» اصل اخلاقی دیگری است که پژوهنده بعد از انتشار نتیجه تحقیقش به آن محتاج است. نقدپذیری به این معناست که پژوهنده پس از اتمام کار و رسیدن به نتیجه، نقد دیگران بر کار خود را با آغوش باز بپذیرد و به جای برخورد تقابلی متکبرانه، ناقد را احترام کرده، نقدش را با تأمل و تعمق ملاحظه کند.

کسانی که مورد نقد قرار می‌گیرند، در مواجهه با نقد و ناقد راه‌های متفاوتی را برمی‌گزینند: برخی نقد را نشنیده و ناقد را ندیده می‌گیرند. گروهی نقد را می‌شنوند، ولی به جای توجه به نقد، بر خود لازم می‌دانند از ناقد انتقام بگیرند و به فراخور حال با او مواجه می‌شوند. عده‌ای هم با تواضع نقد را می‌پذیرند و از ناقد تشکر می‌کنند. ما این روش را مواجهه سازنده می‌نامیم. مشهور است که اتخاذ این روش کاری ساده نیست و مستلزم خودسنجی، خودنگوهی و حتی خودشکنی است (آریان‌پور، ۱۳۵۵، ص ۱۱۰). مقابله نادرست و غیرسازنده با نقد در حقیقت فرار از حقیقت است؛ حقیقت این است که کاستی‌ها و محدودیت‌های انسان موجب می‌شود هر پژوهشی همواره با درصدی از سهو و خطا همراه باشد و هیچ پژوهشی ما را با عین حقیقت پیوند نزند. افزون بر این «روش‌های تحقیقی و وسایل پژوهشی آنقدر کامل نیستند که ما را به واقعیات چنان که هستند تماس دهند» (شریعتمداری، ۱۳۷۶، ص ۴۵) و به همین دلیل هیچ‌یک از نظریه‌های علمی عاری از نقیصه‌ای قابل نقد نیست و پیشرفت و تکامل دانش بشری نیز در گرو همین نقد و انتقادهاست. سرکارل ریموند پوپر (۱۹۹۴-۱۹۰۲) - استاد مدرسه امور اقتصادی لندن - معتقد است: «برخلاف نظر رایج پوزیتیویست‌ها، رشد علم در تأیید و اثبات نظریه‌ها نیست، بلکه محصول نقد و تجدیدنظر آن‌هاست» (بشیری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۴)، محض نمونه «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول توسط جان مینارد کینز در سال ۱۹۳۶ و نظریه محض سرمایه توسط اف. ای. هایک<sup>۱</sup> در سال ۱۹۴۱ محصول نبرد این دو محقق و انتقاد دیگران به مدل‌های آن دو است» (کالدول، ۱۳۸۸، ص ۲۲۹). بروس کالدول درباره نحوه شکل‌گیری و تکامل نظریه «سرمایه» توسط اف. ای. هایک، نوشته است:



۶۱

الف. ای. هایک: در مورد مسئله دست‌یابی به حقیقت

1. Hayek Friedrich August von.

فریدریش آوگوست فون هایک ۱۸۹۹-۱۹۹۲م



هایک، در سراسر دهه ۱۹۳۰ م مشغول پاسخ‌گویی به منتقدان خود بود و در این راستا به اصلاح مدل‌های خود می‌پرداخت و همین امر انتقادهای تازه و اصلاحات جدید را به همراه داشت (کالدول، ۱۳۸۸، ص ۲۲۹).

همچنین، داستان تأثیر انتقادات عرفا و متکلمین در رشد فلسفه اسلامی مشهور است (نک: اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹).

پژوهنده با هدف کشف حقیقت پژوهش می‌کند. بنا بر این، اگر خود به هر دلیلی از دریافت آن بازماند، وقتی دیگری آن را به او هدیه می‌کند، نباید از قبولش خودداری کند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «حقیقت گم‌شده انسان حکیم است؛ هر جا بر آن دست یابد از هر کس دیگر به آن سزاوارتر است» (شریف‌رضی، بی‌تا، ص ۱۹۸) کسی که به دنبال گم‌شده خویش می‌گردد، وقتی آن را پیدا کند اهمیتی نمی‌دهد که در دست کیست؛ چون تنها به گرفتارش می‌اندیشد (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۲۲۷). انتقاد دیگران به یافته‌های پژوهشی یک محقق همان حقیقتی است که از نظر او، دور مانده و دیگران برایش می‌آورند.

مواجهه غیرسازنده با نقد، برخاسته از صفات ناپسند اخلاقی مثل عجب و کبر یا کاستی معرفتی است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۳). بنابراین، برای آن که بتوانیم نقد دیگران را به طور سازنده بپذیریم در قدم اول باید این صفات ناپسند را حداقل در این میدان از خود دور کنیم و به خود بیاوریم که دیگران نیز همانند ما بهره‌ای از درک و عقل و هوش و دانش دارند، افزون بر این که دیدن عیب دیگران نیاز به تخصص و مهارت ندارد (نک: اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵-۱۱۶)؛ بسا کسانی که خود کاری را به‌خوبی می‌توانند، ولی فرق بین خوب و بدش را می‌فهمند.

افزون بر این، باید تعریفمان را از نقد اصلاح کنیم. اگر نقد را به منزله حمله دشمن تلقی کنیم، نمی‌توانیم به طور سازنده بکارش گیریم. برای برخورد سازنده باید «انتقاد را منبع اطلاعات جدیدی بدانیم که باید به طور عینی ارزیابی شود» (وایزینگر، ۴۴۴، ص ۹۲). دشمن‌انگاری ناقد اگر چه بهانه خوبی برای بی‌اعتنایی به سخنش نیست، به‌طور طبیعی می‌تواند نقدپذیری ما را کم کند. بنا بر این، باید ناقد را چون برادری دلسوز تلقی کنیم که عیب و نقص ما را به ما نشان می‌دهد و با این کار خود ارزنده‌ترین هدایا را به ما پیشکش می‌کند، امام صادق (ع) می‌فرماید: «محبوب‌ترین برادرانم آنهایند که عیبهایم را به من نشان می‌دهند» (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۶۳۹)



## نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، استفاده می‌شود که اخلاق در مرحله سوم پژوهش، یعنی آنجا که محقق به نتیجه دست پیدا می‌کند، بر چند اصل نظری استوار است. اصولی که یا از مالکیت نتیجه تحقیق ناشی می‌شوند و یا از مسئولیت‌پذیری محقق. مالک نتیجه تحقیق شخص محقق است و پشتیبانی مالی از محقق موجب می‌شود کسی که محقق را پشتیبانی کرده است، در منافع اقتصادی اثر با او شریک می‌شود، ولی شعاع مالکیت محقق به قدری نیست که از نظر اخلاقی مجاز به کتمان اثر پژوهش باشد. اصولی که از مسئولیت‌پذیری ناشی می‌شوند در حقیقت برآمده از ترکیب بینش‌های محقق از خویشتن با فواید نشر دانش است. نشر دانش حتی بدون کاربرد برای جامعه انسانی مفید است به این معنا موجب اصلاح و توسعه دانش، حفظ و انباشت سرمایه علمی و تشکیل جامعه علمی می‌شود و محقق به عنوان یک انسان موظف به خیرخواهی، رنج‌زدایی و سودرسانی به دیگر انسان‌هاست. در مقام یک دانشمند به خداوند متعال و بندگان او متعهد است و به عنوان انسان برخوردار خود را موظف به شکرگزاری از خداوند صاحب نعمت و قدردانی از مردم به عنوان مجاری و مقدمات نعمت می‌داند. پس نسبت به نتایج و پیامدهای تحقیقش مسئول است و با این که از منظر حقوق می‌تواند از افشای نتیجه کار خویش جلوگیری کند، از منظر اخلاق، موظف است در صورتی که نتیجه تحقیقش را برای جامعه مفید می‌داند به نشر آن اقدام کند. بر مبنای این اصول، در موقعیتی که نتیجه پژوهش خود را برای جامعه یا عصر و نسل خاصی زیان‌آور می‌داند باید با محدود ساختن گزارش اثرش راه زیان به آن‌ها را ببندد و در صورتی که نتیجه تلاشش را برای جامعه مفید می‌داند. با مراعات اصول ذیل به نشر و گزارش آن اقدام نماید: در گزارش خود صادق باشد و از جعل و تحریف پرهیزد. با شجاعت در برابر خواسته‌های ارباب نفوذ، ثروت و قدرت ایستادگی کند. حقوق کسانی را که به هر صورتی در موفقیت او دخیل بوده‌اند در گزارش خود یادآوری کند. در گزارش خود به اصطلاح اهل فن سخن بگوید و نقد ناقدان را با روی گشاده بپذیرد.



## فهرست منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۶۲). خصال. (تحقیق: علی اکبر غفاری). تهران: جامعه مدرسین؛ انتشارات علمی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۷۶ق). امالی. (چاپ ششم). تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا علیه السلام. (تحقیق و تصحیح: مهدی لاجوردی). تهران: نشر جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. (چاپ دوم). قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- أبو حبيب، سعدی. (۱۴۰۸ - ۱۹۸۸ م). القاموس الفقهي. (چاپ دوم). دمشق: دار الفكر.
- اسلامی اردکانی، سید حسن. (۱۳۸۴). اخلاق نقد و فرهنگ نقادی. پژوهش و حوزه. شماره ۲۳ و ۲۴، ص ۱۰۸ - ۱۴۲.
- آریان پور، امیر حسین. (۱۳۵۵). کار پژوهش. مقالات و بررسی‌ها. شماره ۲۵ و ۲۶. از، ص ۶۸ تا ۱۲۱.
- بیبی. ارل، (۱۳۷۸). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی. (ترجمه: رضا فاضل). (چاپ پنجم). تهران: انتشارات سمت.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۸). تاریخ اندیشه سیاسی قرن بیستم. تهران: نشر نی.
- پاشا شریفی، حسن و شریفی. نسترن. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. (چاپ هفتم). تهران: انتشارات سخن.
- توکل، محمد و ناصری راد. محسن. (۱۳۸۸). دستبرد علمی با تبیینی از جامعه‌شناسی علم. اخلاق در علوم و فناوری. دوره ۴. ش ۴-۳، ص ۱-۱۶.
- تهرانی، مجتبی. (۱۳۹۱). اخلاق الهی. (تدوین و تحریر: محمد رضا جباران). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جباران، محمد رضا. (۱۳۹۶). درباره اخلاق تولید علم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جوهری، الصحاح. (۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ م). تصحیح أحمد عبد الغفور العطار. (چاپ چهارم). بیروت: دار العلم للملایین.
- حرّانی، ابن شعبه. (۱۳۶۳). تحف العقول. (تحقیق علی اکبر غفاری). (چاپ دوم). قم: جامعه مدرسین.
- حسن‌زاده. رمضان. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. (چاپ نهم). تهران: نشر ساوالان.
- حکمت نیا. محمود. فکری. (۱۳۸۵). فقه و حقوق. ش ۸، ص ۸۹-۱۰۴.
- حکمت نیا، محمود. (۱۳۸۴). مروری بر حقوق اخلاقی مالکیت فکری و مبانی اعتبار آن. فقه و حقوق. ش ۵، ص ۴۳-۶۴.
- حکمت نیا، محمود. (۱۳۸۶). مبانی مالکیت فکری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.



حلیمی، عمران. (۱۳۸۴). مالکیت معنوی از دیدگاه مذاهب اسلامی. مجله طلوع. ش ۱۶، ص ۶۱-۸۴.  
خوانساری، جمال الدین محمد. (۱۳۶۶). شرح فارسی غرر و درر آمدی. (تصحیح: سید جلال الدین  
محدث). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه.

دیلمی، حسن بن ابی الحسن. (بی تا). اعلام الدین فی صفات المؤمنین. قم: تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت (ع).  
ذاکر صالحی، غلامرضا. (بی تا). تقلب علمی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.  
رات بلات، جوزف. (۱۳۹۸). برادری بین المللی و وجدان اجتماعی دانشمندان. (ترجمه ع. فخر یاسری).  
ماهنامه موفقیت، ش ۴، دی. ص ۵-۱.

سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر. (۱۴۱۰ق). الجامع الصغیر. بیروت: دارالفکر.  
شریعتمداری، علی. فلسفه. (۱۳۷۶ق). (چاپ ششم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.  
شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه (صبحی صالح). قم: انتشارات هجرت.  
شریف رضی، محمد بن حسین. (بی تا). المجازات النبویة. (تحقیق و شرح: طه محمد الزیتی). قم:  
منشورات مکتبه بصیرتی.

طبرسی، ابوالفضل علی. (۱۳۸۵ق). مشکاة الانوار فی غرر الاخبار. (تحقیق: صالح جعفری). (چاپ دوم).  
تهران: کتابخانه حیدری.

طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۹۲ق). مکارم الاخلاق. (چاپ ششم). قم: منشورات الشریف الرضی.  
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۲۰ق). جوامع الجامع. قم: تحقیق و نشر جامعه مدرسین.  
طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). امالی. (تحقیق: مؤسسه بعثت). قم: دارالتقافه.  
طیالسی، سلیمان بن داوود. (بی تا). مسند ابی داوود طیالسی؛ بیروت: دارالمعرفه.  
عربیان، جواد. حقوق مالکیت‌های فکری. (۱۳۸۲ق). تهران: معاونت پژوهشی. انتشارات پژوهشکده امام  
خمینی و انقلاب اسلامی.

فاینمن، ریچارد. (۱۳۸۵ق). تأثیر علم در اندیشه. (ترجمه: همایون صنعتی‌زاده). تهران: نشر فروزان.  
مایور، فدریکو. علم و قدرت. (۱۳۷۷). (ترجمه: پریدخت وحیدی). تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.  
فیض کاشانی، ملا محسن. (بی تا). محجة البیضاء. (تصحیح: علی اکبر غفاری). قم: جامعه مدرسین.  
قزوینی، محمدبن یزید. (بی تا). سنن ابی ماجه. (تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي). بیروت: دار الفکر.  
قلعه جی، محمد. (۱۴۰۸ق). معجم لغة الفقهاء. (چاپ دوم). بیروت: دار النفا نس.  
کالدول، بروس. (۱۳۸۸ق). چالش هایکد. (ترجمه: غلامرضا آزاد ارمکی و امیر آزاد ارمکی). تهران: نشر نی.  
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۴۸). کافی. (چاپ دوم). تهران: درالکتب الاسلامیه.  
کیوی، ریمون و کامپنهود. لوک وان. (۱۳۸۷). روش تحقیق در علوم اجتماعی. (ترجمه: عبدالحسین  
نیک‌گهر). (چاپ سوم). تهران: انتشارات توتیا.



لیثی واسطی. علی بن محمد. (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. (تحقیق: حسین حسینی بیرجندی). قم: دارالحديث.

مجلسی، محمد باقر (علامه مجلسی). (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. (چاپ دوم). بیروت: مؤسسه الوفاء. مروارید. علی اصغر. (۱۴۱۰ق). *الینایع الفقہیة*. بیروت: دارالتراث. معلا، مهدی. (بی تا). اخلاق زیستی در نظام فقهی- حقوقی اسلام. پایان نامه دکتری با راهنمایی محمود حکمت نیا و مشاوره ابوالقاسم علیدوست. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. منصوریان، یزدان. (۱۳۹۳ق). پاسداشت «اخلاق پژوهش» با احترام به حقوق همه «ذینفعان». پروژه‌های تحقیقاتی. کتاب ماه کلیات. ۱۳۹۳، ش ۱۹۷. از ۲۷ - ۳۳.

موسوی خمینی، مصطفی. (۱۴۱۸ق). *تفسیر القرآن الکریم*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). نورمحمدی، حمزه علی. (۱۳۹۳). سرقت علمی؛ مصادیق و راهکارها. کتاب ماه کلیات. ش ۵. ص ۶ - ۹. نوری، میزار حسین. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. قم: تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت (ع). وایزینگر، هندری. (۱۳۸۵ق). *هیچکس کامل نیست*. (ترجمه: پریچهر معتمد گرجی). تهران: نشر مروارید.

هروی، جواد. (۱۳۸۹). روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ. (چاپ دوم). تهران: امیرکبیر. هویت، دنیس و کرامر. دانکن. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و مشاوره. (ترجمه: حسن پاشا شریفی و دیگران). تهران: انتشارات سخن.

McLean, S. A. M. (Ed.). (2016). *First Do No Harm: Law, Ethics and Healthcare* (1st edition). Routledge.

Shamoo, A. E., & Resnik, D. B. (2014). *Responsible Conduct of Research* (3rd edition). Oxford University Press.